

# یک سال دولت ملی

۲۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

سرلشگر ناصر فرید (بازنشسته)  
رییس ستاد ارتش در دولت بازرگان

## ۱- بمران نفت

جنگ دوم جهانی، کشور ایران را چند سال زیر اشغال نیروی خارجی قرار داد و پس از ختم غائله‌ی آذربایجان و کردستان، تمامیت ارضی ایران تامین گردید.

در آن هنگام سامان دادن اوضاع آشفته‌ی کشور با موانع زیادی روبه‌رو بود و بویژه اقتصاد ایران، مشکل فراوانی داشت. بدین لحاظ در ابتداء رهبران سیاسی و شاه جوان چشم به یاری کشورهای متحده‌ی امریکا دوختند که پس از اتمام جنگ تحت عنوان (طرح مارشال) کمک‌های وسیع اقتصادی را به پاره‌یی از کشورهای جنگ‌زده از جمله ترکیه و یونان آغاز کرده بود، ولی انتظار ایران به‌زودی برآورده نگردید و در نتیجه بدین راه کار گرایش یافتند که تنها راه تامین درآمد ملی، تلاش در اضافه‌نمون بهره‌ی نفت از انگلستان است و بدین مناسبت تجدید نظر در عواید نفت باب جدیدی را در مناسبات ایران و انگلستان به‌وجود آورد، ولی انگلیس در ابتدا سرسختی زیادی در دادن امتیاز بیش‌تر به ایران نشان داد که به‌تدریج جنبه‌ی سیاسی این پیش‌آمد از جنبه‌ی اقتصادی آن پیشی گرفت و زمینه را برای بحران تازه‌یی در روابط ایران و انگلیس فراهم ساخت.

## ۲- ابعاد اولین هسته‌های مقاومت ملی

فضای سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم و در دهه‌ی اول سلطنت محمدرضاشاه، در ایران مجالی مناسب و دوران مساعدی از آزادی سیاسی را برای مردم به ارمغان آورد. در آن میان نیز، ابتدا گروه کوچکی از سیاست‌مداران که برجسته‌ترین آنان دکتر محمد مصدق بود، از آن آزادی این بهره را بردند که روس‌ها و انگلیسی‌ها را به‌گونه‌یی متناوب و متساوی مورد انتقاد قرار دهند، بدین ترتیب حتا در داخل مجلس هم گروهی از استادان، حقوقدانان و تحصیل‌کردگان با وفاداری و اعتماد، از او پیروی کردند.

دکتر محمد مصدق مرد فسادناپذیری بود که در وطن پرستی‌اش جای هیچ شک و تردید نبود و در حکومت رضاشاه تبعید، تهدید و انزوا را به‌دست شستن از اعتقاد اصولی به دموکراسی ترجیح داده بود.

در آن زمان به‌نحوی که اشاره شد، محمدرضاشاه برای تأمین بودجه برای دولت و هزینه‌ی تجهیزات ارتش به جریان ثابتی از درآمد مکفی از درآمد نفت نیاز قطعی داشت و با تدبیر پاره‌یی از دیپلمات‌ها،

تصور شد که با انتخاب یک نخست‌وزیر مقتدر چون سپهبد حاج علی رزم‌آرا شدت گرفتن بحران نفت را می‌توان خنثی نمود و قرارداد جدیدی بین ایران و انگلستان منعقد کرد. ولی در همان روز نخست‌وزیری رزم‌آرا (۱۳۳۹) آقای دکتر محمد مصدق از طرف مجلس به ریاست کمیسیون رسیدگی به قرارداد الحاقی نفت انتخاب گردید. در همان حال پیروان ایشان با قبول رهبری او در مبارزات ملی، خواهان ملی‌شدن صنعت نفت در ایران شدند و از آن پس مساله‌ی ملی‌شدن نفت محور اصلی سیاست و تلاش دکتر محمد مصدق و طرفداران او شد و در یک جلسه‌ی پر هیجان مجلس، اصل ملی‌شدن صنعت نفت به تصویب رسید و از آن تاریخ اولین هسته‌ی مقاومت ملی در ایران پا گرفت و با ترور نخست‌وزیر سپهبد حاج علی رزم‌آرا، اجرای طرح قرارداد نفت براساس تقسیم‌بالمناصفه‌ی منافع (۵۰-۵۰) بین انگلستان و ایران معوق ماند.

## ۳- دکتر محمد مصدق نفست وزیر ایران

در شرایط بالا احساسات ملی و مبارزات ضد استعماری چنان شدت یافت که دو نخست‌وزیر (فهیم‌الملک و حسین‌علاء) پس از ترور رزم‌آرا بیش از چند صباحی نتوانستند در مسند قدرت باقی بمانند و پس از یک ماه دکتر مصدق نخست‌وزیری کشور را احراز نمود و حمایت از نخست‌وزیری ایشان همه‌جانبه شد.

دکتر مصدق بلافاصله استاندار منتخب خود را به اداره‌ی مرکزی شرکت نفت در خرمشهر فرستاد و اعلام کرد که نفت ملی شده است و بدین ترتیب صدور نفت در بنادر خلیج فارس متوقف شد و اعضای غیرایرانی شرکت نفت ایران و انگلیس، ایران را ترک کردند...

با این اقدام دولت ایران، حزب کارگر در لندن با مخمصه مواجه شد، زیرا حکومت انگلیس با از دست رفتن امتیاز نفت ضربه‌ی مهلکی به اقتصادش وارد می‌گردید، بدین سبب متوسل به کار بردن قوه‌ی قهریه به‌منظور بازپس گرفتن تاسیسات نفت شد و در نتیجه ناو جنگی (موریسیس) را به مقابل آبادان فرستاد تا سواحل ایران را به توپ ببندد و دسته‌ی چترباز خود را به قبرس فرستاد و هم‌زمان به شورای امنیت نیز شکایت برد.

دکتر محمد مصدق بدون هراس از تهدید دولت کارگری انگلستان بلافاصله به نیویورک شتافت تا در شورای امنیت سازمان ملل متحد از

حقوق حقه‌ی وطنش دفاع کند و شورای امنیت خواستار رسیدگی دیوان بین‌المللی لاهه نسبت به دعاوی طرفین گردید.

چنین بود که دکتر مصدق عازم لاهه شد تا در آن جا دفاع از حقوق ایران را به عهده گیرد. در نتیجه در سال ۱۳۳۱ دیوان بین‌المللی لاهه به عدم صلاحیت خود در رسیدگی به شکایت انگلستان رأی داد و اعلام کرد که مساله‌ی نفت از اختیارات داخلی ایران است و دیوان نمی‌تواند آن را مورد بحث قرار دهد. صدور این رأی پیروزی بزرگی برای ایران و ملت ایران محسوب شد و در نهایت نخست‌وزیر انگلستان (اتلی) به کاردار انگلستان در تهران دستور داد تا ضمن یادداشتی به وزیر امور خارجه‌ی ایران اعلام کند که دولت اعلی‌حضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را قبول می‌نماید.

#### ۴- طرح توطئه و حماسه‌ی ملی سی‌ام تیر

پس از انتشار خبر فیصله‌یافتن مشکل نفت به نفع ایران دسته‌هایی از گروه‌های چپ، دست به راهپیمایی زدند که به تصادم بین مامورین انتظامی و راهپیمایان منجر شد و بلافاصله عناصر شناخته شده‌ی راست و چپ متفقاً دولت مصدق را مورد حمله و انتقاد قرار دادند. همگام با این نوع پیش‌آمدها تعدادی از وکلای وابسته به جناح راست در مجلس به همین مضامین بر دولت مصدق می‌تاختند.

این توطئه، مصادف با انتخاب وینستون چرچیل به نخست‌وزیری انگلستان که محافظه‌کاران را در مقابل دولت کارگری بر مسند قدرت رساند، گردید. وینستون چرچیل در آغاز زامدادی اظهار داشت: «دولت کارگر در زمانی که یک غرش توپ می‌توانست در خلیج فارس غائله‌ی صنعت نفت را ختم کند، دستور داد که انگلیسی‌ها از آبادان فرار کنند».

در همان زمان «شکست دموکرات‌ها در امریکا» و روی کار آمدن ژنرال ایزن‌هاور، حکومت جمهوری‌خواه را تحت تاثیر جو ضد کمونیسم به روش بدبینانه و خصومت‌آمیزی نسبت به نهضت‌های ناسیونالیستی در جهان سوم روبه‌رو ساخت و بدین ترتیب دولت امریکا نیز با دولت انگلستان هم‌داستان گردید که حکومت دکتر مصدق منافع غرب را تامین نمی‌کند. بدین ترتیب در تیرماه ۱۳۳۱ زمینه‌ی مناسب سیاسی برای طراحان خارجی و مجریان داخلی به‌منظور برکناری حکومت دکتر محمد مصدق فراهم آمد.

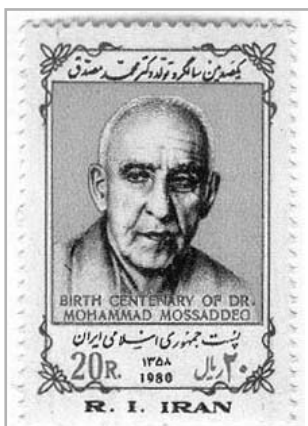
بدین سان که مصدق به حق قانونی خود در به اختیار گرفتن وزارت جنگ پافشاری می‌کرد و شاه با واگذاری پست وزارت دفاع به نخست‌وزیر مخالفت کرد و دکتر مصدق از نخست‌وزیری استعفا کرد و شاه بلافاصله قوام‌السلطنه را به نخست‌وزیری منصوب کرد و بی‌درنگ نمایندگان مخالف در مجلس و سلطنت‌طلبان و طرفداران انگلیس به قوام رأی اعتماد دادند، ولی وقایع سریع بعدی نشان داد که مهارت‌های سیاسی و پارلمانی قوام‌السلطنه عملاً ناکارآمد ماند و

تظاهرات عظیم مردمی با حدت بی‌سابقه‌ی ظهور کرد و لاجرم قوام که خود را عاجز دید استعفا کرد و شاه بی‌درنگ تسلیم شد و مصدق بر سر کار بازگشت و بدین ترتیب حماسه‌ی معروف سی‌ام تیرماه به‌وجود آمد و برای اولین بار نخست‌وزیر با اراده‌ی ملی و مردمی به کرسی نخست‌وزیری نشست.

#### ۵- کودتای ۲۸ مرداد

موفقیت دکتر مصدق اولین طرح‌های توطئه علیه او را خنثی کرد و مخالفین خارجی و داخلی را وادار به تلاش‌های فوق‌العاده‌تری کرد تا تمهیدات جدیدی را برای مقابله با چنین وضعی پیش گیرند از جمله: در شرح عملیات مشهور به (چکمه) چنین بیان شده است که چه‌گونه طرح کودتای علیه دکتر مصدق به‌گونه‌ی که قادر به مقابله با آن نباشد، توسط عوامل دو سازمان اطلاعاتی عظیم جهانی چون (سی-آی-ای) امریکا همگام با (ام-آی-سیکس) انگلیس پی‌ریزی گردید و با بسیج عوامل درونی به‌صورت زیر طرح براندازی به مرحله‌ی عمل درآمد:

تقویت تشکیلات برادران رشیدیان در تهران، ایجاد روابط با روسای قبایل جنوب و تحریک پاره‌یی از افسران ارتش و شهربانی، تشویق نمایندگان مجلس و سنای با تعدادی از سیاستمداران و روحانیون و مدیران جراید به اضافه‌ی تطمیع سردمداران به‌منظور بسیج مزدوران خیابانی. ابتدا قرار بود این نیروها، مصدق و وزیرانش را بازداشت کنند و شهرهای مهم را قبضه نمایند و سرلشگر فضل‌الله زاهدی را که هم برای انگلستان و هم برای امریکا قابل قبول بود، روی کار بیاورند و برای تهیه‌ی مقدمات از آن جا که هیچ انگلیسی در آن زمان نمی‌توانست وارد ایران شود، آقای (کریمت روزولت) رییس عملیات (سیا) در خاورمیانه یکه‌تاز مکره شد.



بدین ترتیب (کیم روزولت) در مرداد ۱۳۳۲ به ایران وارد شد و ملاقات مخفیانه‌ی او با شاه در یک نیمه شب در داخل یک اتومبیل صورت گرفت و تایید کرد که آن طرح از طرف آیزن‌هاور و چرچیل مورد تصویب قرار گرفته است و بدین سان شاه آمادگی و همکاری خود را در اجرای این نقشه با تمهیدی اعلام داشت.

کیم روزولت برای اجرای نقشه، معادل یک میلیون دلار در اختیار داشت و قرار شد هم‌زمان با تدارکات کودتا مقدمات امضای دو فرمان به‌وسیله‌ی شاه نیز فراهم شود. فرمان اول عزل دکتر مصدق از مقام نخست‌وزیری و فرمان دوم انتصاب سرلشگر زاهدی به مقام نخست‌وزیری بود که به امضای شاه رسید و سرهنگ نصیری، فرمانده گارد سلطنتی مامور ابلاغ دو فرمان گردید.

سرلشگر زاهدی فرمان را در مخفی‌گاهش دریافت کرد، ولی هنگامی که نصیری می‌خواست فرمان عزل دکتر مصدق را به او ابلاغ کند، از طرف افسران گارد محافظ نخست‌وزیر بازداشت گردید و باعث شد که طرح توطئه با شکست مواجه شود.

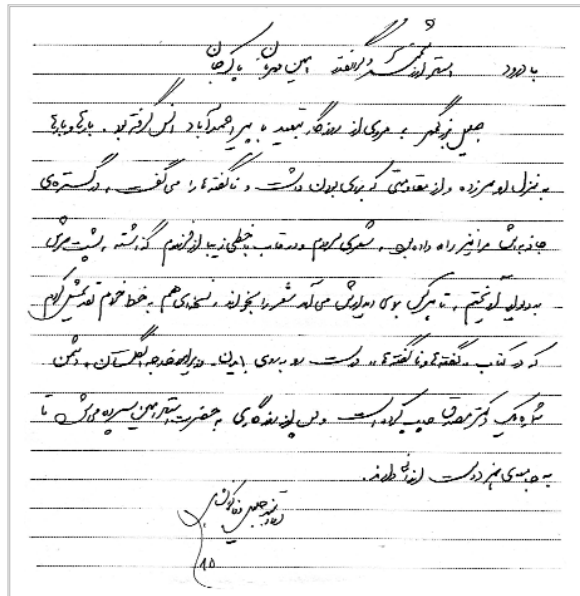
#### ۴- تلاش تکمیلی کودتای ۲۸ مرداد

نخستین اجرای طرح تکمیلی کودتا، آگاه‌سازی مردم از عزل مصدق و انتخاب زاهدی به نخست‌وزیری بود. پس از آن جلب حمایت نظامیان به طرفداری از زاهدی و توزیع بیانیه‌ی مبنی بر دعوت نیروهای مسلح به حمایت از شاه که کشور را ترک نموده بود، سپس دسته‌جات متعددی را با دستمزد برای ایجاد بیم و هراس در خیابان‌ها آماده گردانیدند.

در نهایت از میان نیروهای مسلح و نیز از میان جمعیت شهری برای پشتیبانی از شاه طرفدارانی فراهم آمد و آنان با نتیجه‌ی هیجان‌آوری در روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با پیوستن به یک‌دیگر ساختمان‌های دولتی، دفاتر احزاب و روزنامه‌های طرفدار مصدق را مورد حمله قرار داده و خانه‌ی نخست‌وزیر را تخریب و غارت نمودند. بالاخره در غروب روز ۲۸ مرداد پس از موفقیت کودتا، دولت دکتر محمد مصدق که به‌گونه‌ی استثنایی منتخب اراده‌ی ملی بود به پایان رسید. آقای دکتر مصدق خود در **خاطرات و تألمات** چنین می‌گوید: «من در تمام مدت زمامداری خودم با هیچ یک از دول بیگانه‌ی موثر در سیاست ایران خواه دولتمین امریکا و انگلیس و خواه دولت شوروی سازش نداشته و مصالح مملکت و وطنم را به هر چیز و حتا به جان خود ترجیح داده‌ام و آن‌چه گفته و کرده‌ام تمام در منافع ملت ایران بود و آن‌چه هم در این مملکت بر علیه من صورت گرفت، طبق نظریاتی بود که سیاست خارجی ترسیم نموده بود و به امر بعضی از هم‌وطنانم اجرا گردید و چنان‌که رسیدگی شده بود، ثابت می‌گردید آن‌چه در روزهای مزبور صورت گرفت، نتیجه‌ی کودتای شاهانه و تشریف‌فرمایی شاهنشاه به خارج از کشور بوده است و کودتای ۲۸ مرداد نتیجه‌ی آن وجوهی بود که بین اشخاص موثر پست و خائن از رؤسای کالنتری‌ها از افسران و غارتگران تقسیم شده بود.» ■

#### پی‌نوشت‌ها

۱- نقل از کتاب **نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران**، تألیف سرلشکر ناصر فرید.



نامه‌ی جلیل وفاکرمانشاهی و شعری برای جلیل بزرگمهر

## برای جلیل بزرگمهر آینه‌دار تاریخ

جلیل وفاکرمانشاهی

استاد ارزشمند و گران‌قدر، امین مهربان پاک‌جان جلیل بزرگمهر؛ مردی از روزگار تبعید با پیر احمدآباد انس گرفته بود. بارها و بارها به منزل او سر زده و از مقاومتی که برای بودن داشت و ناگفته‌ها را می‌گفت، در گستره‌ی جاذبه‌اش مرا نیز راه داده بود، شعری سرودم و در قاب با خطی زیبا از فرزندم گذاشته، پشت‌سرش به دیوار آویختم، تا هر کس برای دیدارش می‌آمد، شعر را بخواند. نسخه‌ی هم به خط خود تقدیمش کردم که در کتاب **گفته‌ها و ناگفته‌ها** درست روبه‌روی آیدن (وزیر امور خارجه‌ی انگلستان، دشمن شماره‌ی یک دکتر مصدق) چاپ کرده است و پس از روزگاری به حضرت استاد امین سپرده می‌شود تا به جامعه‌ی هنردوست ارزانی دارند.

به تیغ تیز قلم - ریشه‌ی ستم زده‌یی در این سکوتِ نفس‌گیر و تلخ، دم زده‌یی چو موجِ نازِ نسیمِ زلالِ چشمه‌ی عشق سر از افق به تماشای صبح‌دم زده‌یی درود بر قلمِ دردسوز بی‌باکت ره نَفَسِ نَفَسِ شِکوه سوز غم زده‌یی به نام آن‌که رهایی ز بند را می‌جُست به کام سوختگان ستم قلم زده‌یی به برگ‌برگِ زمان از حضور دولتِ عشق به کور چشمی بیگانگان رقم زده‌یی نمود بود تو؛ آینه‌دار تاریخ است که داغ مرگ به پیشانی ستم زده‌یی به دادخواهی داد آن‌چه بود، با ما گفت لبی که از نمکِ اشک درد نم زده‌یی غبار از رخ آینه پاک کردی و گرم به سر هوای فرو ریزی صنم زده‌یی ز آذرخش دلیری به ابر بی‌باکی بساط ظلم ز رگبار خود به‌هم زده‌یی ز موج موجِ خروش لبی که می‌غرید به داربست درختِ دروغ خَم زده‌یی مباد خسته وجودت که با تمام وجود به راه مردمی پیر ما قدم زده‌یی «بزرگمهر»ی و مهتر گرفت دامن مهر به سر ز مهر مرا سایه‌ی کرم‌زده‌یی حضور شِکوه‌گرت کلبه‌گیر و کاخ‌نخواست که چون «وفا» به صفا قید بیش و کم زده‌یی